



The Islamic Revolution and Global Developments from the Perspective of Ayatollah Khamenei

Dr. Alireza Zamzam ¹

Abstract

The most significant transformation of the 20th century, which influenced global dynamics and led to a bipolar world order, was the Islamic Revolution of Iran. Decades after this major event, global movements—particularly in the Middle East and West Asia—continue to be shaped by the revolution through Islamic Awakening and the formation of the Resistance Front. The system emerging from this revolution remains one of the key players in global developments. The author examines Ayatollah Khamenei's perspective on the Islamic Revolution of Iran and its impact on future global transformations. According to Ayatollah Khamenei, the Islamic Revolution is a continuous and evolutionary movement with a global mission focused on establishing a noble Islamic life and creating a new Islamic civilization. The research methodology is descriptive-analytical, based on a content analysis of Ayatollah Khamenei's statements. Findings indicate that, from Ayatollah Khamenei's viewpoint, the future of the Islamic Revolution is bright and predictable, promising a disruption of the existing global order while striving to establish ideals such as a noble Islamic life and a new Islamic civilization.

Keywords: Islamic Revolution, Iran, Ayatollah Khamenei, Global Developments, Future Vision

1. Assistant Professor, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran(zamzam@uk.ac.ir)

انقلاب اسلامی و تحولات جهانی از منظر آیت الله خامنه‌ای*

علیرضا زمزم^۱

چکیده

مهم‌ترین تحولی که در قرن بیستم میلادی رخ داد و منشأ تحولاتی در جهان و بلوک‌بندی دوقطبی گردید، انقلاب اسلامی ایران بود. با گذشت حدود نیم قرن از این تحول عظیم، هم‌چنان کنش‌ها و تحولات جهان و به‌ویژه منطقه خاورمیانه و غرب آسیا در قالب بیداری اسلامی و شکل‌گیری جبهه مقاومت از این رخداد تأثیرپذیرند و نظام برآمده از این انقلاب به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی تحولات نقش ایفا می‌کند. نویسنده در این مقاله درصدد بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص انقلاب اسلامی ایران و تأثیرگذاری آن بر تحولات آینده جهانی است. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی حرکتی مستمر و تکاملی و با نگاه به آینده رسالتی جهانی دارد و درصدد دستیابی به حیات طیبه اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است که از طریق تحلیل محتوای بیانات آیت‌الله خامنه‌ای موضوع پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته پژوهش عبارت از این است که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای آینده انقلاب اسلامی درخشان و قابل پیش‌بینی است و این انقلاب ضمن به هم زدن نظم موجود در جهان، آرمان‌هایی مثل تشکیل حیات طیبه اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی را نوید می‌دهد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، تحولات جهانی، آینده‌نگری.

مقدمه

متفکران سه مکتب فکری و فلسفی کارکردگرایی، مارکسیستی و اسلام در زمینه انقلاب نظریه‌پردازی کرده‌اند. در چارچوب مکتب کارکردگرایی افرادی مثل چالمز جانسون و پارسونز، در چارچوب مکتب مارکسیستی، افرادی مثل مارکس، لنین، تروتسکی، گرامشی و در چارچوب مکتب فکری اسلام به‌ویژه فلسفه سیاسی شیعه، اندیشمندانی مثل محمدباقر صدر و مرتضی مطهری در زمینه انقلاب بحث کرده‌اند. مهم‌ترین تحولی که در قرن بیستم میلادی پیش‌تران تحولات جهان و آینده آن گردید، انقلاب اسلامی ایران بود. این انقلاب در اوج جنگ سرد رخ داد و منشأ تحولاتی در جهان گردید. با گذشت حدود نیم قرن از این رخداد، تحولاتی مثل

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

۱. استادیار دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران (zamzam@uk.ac.ir).

بیداری اسلامی و نیز جبهه مقاومت در سال‌های اخیر تحت تأثیر آن شکل گرفته و آینده‌نویسی را برای جهان اسلام و حتی بشریت نوید می‌دهد و لذا باید جایگاه این انقلاب را به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی محسوب کرد. آیت‌الله خامنه‌ای در چارچوب مکتب فکری اسلام و بر اساس مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی این مکتب به انقلاب اسلامی می‌پردازد. از دیدگاه وی انقلاب از جنس تغییر و تحولات درونی است یعنی تحول درونی شرط لازم و زیربنای تغییر در سایر ساخت‌هاست. انقلاب به این معنا پدیده‌ای تکاملی، مستمر، تدریجی و پیشران است که باعث تغییر بنیادین در افکار و رفتار فرد و جامعه می‌شود. خصلت انقلابی و پیشرانی حتی با تشکیل نظام سیاسی نیز وجود دارد. با توجه به این‌که آیت‌الله خامنه‌ای سالیان مدیدی به‌عنوان عالی‌ترین مقام رسمی جمهوری اسلامی مطرح بوده، شناخت مبانی فکری، قرائت و تفسیر وی از انقلاب اسلامی به‌عنوان پیشران و مبدأ تحولات پسینی ضرورت دارد. سؤال اصلی مقاله معطوف به قرائت و تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای از انقلاب اسلامی ایران و آینده جهان است. از نظر وی انقلاب اسلامی حرکت تکاملی و مستمر معطوف به آینده دارد و نه تنها در تقسیم‌بندی‌های رایج هضم نمی‌گردد، بلکه درصدد ارائه چشم‌اندازی جدید از جهان است. از نظر پیشینه در خصوص انقلاب اسلامی و آیت‌الله خامنه‌ای آثار ذیل در دسترس است.

۱. کتاب روشنائی آینده، در این کتاب آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی در بیان حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای جمع‌آوری شده است؛ ۲. کتاب صورت و سیرت انقلاب اسلامی که در آن بیانات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در خصوص صورت و سیرت انقلاب اسلامی گردآوری شده است؛ ۳. کتاب ویژگی‌های انقلاب اسلامی در آئینه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی. در این کتاب بعضی ویژگی‌های انقلاب اسلامی از منظر وی توصیف شده است؛ ۴. مقاله چیستی انقلاب از منظر آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای اثر امیر سیاه‌پوش و مصطفی ملکوتیان. در این مقاله نویسندگان ضمن تعریف انقلاب، چیستی انقلاب اسلامی و فرق آن با مفاهیم مشابه (اصلاح، تکامل، تحول و تضاد) را مطرح کرده‌اند. در این مقاله حلقه مفقوده در آثار یادشده یعنی انقلاب اسلامی و تحولات آینده از منظر آیت‌الله خامنه‌ای بررسی می‌شود. این هدف با تحلیل محتوای سخنان و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رهبری جمهوری اسلامی انجام می‌گیرد.

پدیده انقلاب مثل سایر پدیده‌ها، شأن ماهیتی نه حیثیت وجودی‌اش مرز تمایز آن از سایر پدیده‌های مشابه است. در ماهیت سؤال از چیستی، معنا و مفهوم و ویژگی‌هاست. از منظر ماهیت همه انقلاب‌ها از این جهت که انقلاب‌اند نقاط اشتراک و همگونی دارند و ناهمگونی‌ها معطوف به نوع ایدئولوژی حاکم بر این تحولات است. تعاریف انقلاب عمدتاً تشریحی (شرح الاسمی) هستند که در آنها حد، رسم و فصل با دقت منطقی روشن نشده است. افزون بر این مرز چرایی، چگونگی و چیستی انقلاب و غایات، علل و ماهیت آن مشخص نگردیده است.

تعریف انقلاب با رویکرد سکولار

در این مقاله، قائلان به هر دو مکتب فکری کارکردگرایی و مارکسیستی در این رویکرد قرار می‌گیرند. یکی از نویسندگان حوزه انقلاب، در چارچوب این رویکرد، انقلاب را تحولی می‌داند که دارای شاخصه‌های ذیل است:

۱. استحاله ارزش‌ها؛ ۲. تغییر ساختار اجتماعی و تحول در نهادهای سیاسی؛ ۳. قانونیت تغییر یا غیرقانونی بودن آن؛ ۴. تغییر نخبگان چه از لحاظ افراد و گروه‌ها؛ ۵. خشونت (کوهن، ۱۳۷۲: ۲۵).

در مورد این تعریف پرسش‌های بسیاری مطرح است. استحاله ارزش‌ها به عنوان یک قضیه موجب کلیه درست نیست، چراکه در حوزه فرهنگ استحاله همه ارزش‌ها دشوار است. افزون بر این ساختار که توصیف‌کننده روابط پایدار است، در مکاتب مختلف، معانی متفاوت دارد. در مکتب مارکسیسم به دو مقوله زیربنا و روبنا تقسیم می‌گردد که تغییر در روابط تولید، زیربنای دیگر تغییرات است. در مکتب کارکردگرایی ساختار به معنای مجموعه‌ای از زیرسیستم‌ها است و در مکتب اسلام، ساختار عبارت از پی‌ریزی مجموعه‌ای بر اساس عقل و فطرت انسانی است. تروتسکی از نویسندگان مارکسیست، انقلاب را تحولی می‌داند که در پی شکل‌گیری قدرت دوگانه^۱ و یا چندگانه در جامعه شکل می‌گیرد (تروتسکی، ۱۳۶۰: ۲۰۱-۲۰۲) براساس این دیدگاه، انقلاب زمانی رخ می‌دهد که نوعی دوگانگی در قدرت و یا ثنویت در قدرت مطرح باشد. به گونه‌ای که قدرت اجتماعی (جامعه) مسیری خلاف جهت قدرت سیاسی (حکومت) در پیش بگیرد. این روند در واقع تقابل و تضاد بین قدرت اجتماعی و قدرت سیاسی است. نتیجه این

1. Dualpower

کشمکش به تحلیل رفتن قدرت سیاسی و قبضه آن به وسیله قدرت اجتماعی با رهبری فرهمند و قدرت بسیج‌کنندگی خارق‌العاده توده‌هاست (زمزم، ۱۳۷۹: ۲۳).

تعریف انقلاب با رویکرد اسلامی

از منظر جهان‌بینی توحیدی به‌ویژه دیدگاه اسلامی، منشأ تحولات اجتماعی از جمله انقلاب، انسان است یعنی تغییر در محتوای درونی انسان‌ها بر خواسته از اراده انسان است. در این مکتب اندیشه و تفکر منشأ انقلاب و زمینه‌ساز آن است، لذا انقلاب تحولی درونی است که رهبران این تحول با تغییر فکر مردم، زمینه تحول بنیادین در اوضاع و احوال جامعه را به وجود می‌آورند. چنین قرائتی از انقلاب، برگرفته از آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) است، که تغییر و تحول یک جامعه را فرع بر تحول افراد آن جامعه (قوم) می‌داند. در تفسیر این آیه آمده: «تغییر اوضاع و شئون اجتماعی هر قومی روبنای آن قوم است، تغییر بنیادی تغییری است که در خود قوم پدید آمده باشد و هر تغییر دیگر از این تغییر بنیادین سرچشمه گرفته است...»

بدیهی است مقصود از تغییر (ما بانفسهم) تغییر در درون ملت است. این تنها تغییر اوضاع و احوال یک قوم و ملت است که از ریشه تغییر درونی خود آن قوم و ملت تغذیه می‌کند. افزون بر این در اسلام هر فعل و عملی آن‌گاه ارزش دارد که ارادی و انتخابی باشد و لذا در اسلام انقلاب جبری نیست. از نظر علم لغت نیز اصطلاح انقلاب از باب انفعال است و معنای آن مطاوعه و پذیرش است. اگر جامعه‌ای از درون پذیرای تغییر و تحول نباشد، انقلاب و تحول بر او تحمیل‌شدنی نیست. انقلاب فرع بر تحول فکری و معرفتی است. از این عامل در انقلاب اسلامی ایران تحت عنوان «سازندگی درونی» (باهنر، ۱۳۸۷: ۱۹) یاد می‌شود. عمید زنجانی، عامل عمده انقلاب را آرمان‌خواهی و عقیده به مکتبی می‌داند که نخست گروه پیشرو و مجاهدان را وارد میدان مبارزه می‌کند و سپس با بسیج توده‌های گسترده مردم را به درون جامعه می‌کشاند و انقلاب را به صورت مردمی به پیروزی می‌رساند (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۳۰).

مرتضی مطهری انقلاب روحی را مقدمه انقلاب اجتماعی می‌داند و معتقد است: ... انقلاب روحی خود مردم باید تکمیل شود تا انقلاب اجتماعی‌شان به کمال برسد... این بذر انقلابی را... رهبران اجتماعی در روح جامعه ما از نو کاشتند و آن روح انکار و تهاجم و شورش و به زبان اسلامی روح امریه معروف و نهی از منکر و روح جهاد بود (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

مفهوم انقلاب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب را بر اساس مبانی نظری اسلام تعریف می‌کند و معتقد به وجود پیوند بین وقوع تحولات اجتماعی و اختیار انسان است. وی ضمن توجه به عنصر زیربنایی تغییر و تحول درونی می‌گوید:

انقلاب مثل یک کوره گدازنده است، تغییردهنده شکل و نظم عناصر موجودات است... تغییردهنده است، دگرگون‌کننده است. این دگرگون‌سازی فقط در سطح مناسبات اجتماعی نیست، بلکه در درجهٔ اول، در لایه درون انسان‌ها و ذهنیت‌هاست... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۷/۷).

از نظر وی انقلاب مناسبات اجتماعی، فرع بر تبدل دل‌ها و خلیات مردم است (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۱۵۷) وی ضمن اشاره به تمایز انقلاب با شورش، انقلاب را به عنوان تغییر بنیادین و عمیق، نه روبنایی و سطحی می‌داند و می‌گوید:

انقلاب فقط شورش کردن، به خیابان ریختن و جنجال کردن نیست، انقلاب یعنی تغییر بنیادین همه نهادهای اصلی زندگی جامعه، تغییر بنیادین آنچه غلط و کج و نابخاست به آنچه صحیح و مستقیم و به جاست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵).

از نظر وی انقلاب تحولی است برخاسته از جامعه و ناظر به اصول و مبانی اعتقادی و اجتماعی آن و لذا می‌گوید:

... بحث بر سر انقلاب‌هاست، یعنی آن تحولاتی که به وسیلهٔ مردم انجام گرفت و ناظر به اصول و مبانی اعتقادی و اجتماعی جامعه بود (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۳۴).

برخلاف نظر کارکردگرایان که به انقلاب به خاطر پیامدهای آنی آن مثل برهم خوردن وضع موجود، نگاه سلبی دارند، آیت‌الله خامنه‌ای به این پدیده نگاه ایجابی و مثبت دارد و می‌گوید: انقلاب برای ملتی که با نفی و طرد وضع موجود در پی این است که خود را به رستگاری حقیقی و به سعادت برساند و برخوردار از تعالی و تکامل مادی و معنوی باشد، امری مثبت است، اما برای کسانی که سال‌های متمادی بر یک کشور پنجه انداختند، بزرگ‌ترین بلاست برای آنها... (بیانات حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱).

آیت‌الله خامنه‌ای مثل سایر صاحب‌نظران، انقلاب را تغییری بنیادین می‌داند، اما مقصود ایشان از «بنیادین» با رویکردهای سکولار متفاوت است. «از منظر ایشان تغییر بنیادین تغییری است که در آرمان‌ها و اهداف اجتماعی صورت می‌گیرد و بنیادی‌ترین تحول از این منظر، تغییر

در نگرش‌های توحیدی به طاغوت است و بالعکس» (سیاه‌پوش و ملکوتیان، ۱۳۹۶: ۲۴). با توجه به این که انقلاب و اصلاح لازم و ملزوم یکدیگر و مکمل هم‌اند، آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب را مصداقی از اصلاح به معنای اعم تلقی می‌کند و انقلاب بدون اصلاح را غیرممکن می‌داند. لذا انقلاب به این معنا حرکتی تدریجی و اصلاح‌گرایانه و در حال پیشرفت و تکامل است، لذا می‌گوید:

خود انقلاب، بزرگ‌ترین اصلاح است، تداوم اصلاحات در ذات و هویت انقلاب نهفته است ... انقلاب بدون اصلاح امکان ندارد... (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰).

از نظر وی تحول که در مقابل رکود است، جزء سنت‌های لایتغیر الهی است. این تحول غیر از هرج و مرج و آنارشسیسم است. هر نظام اجتماعی در عین ثبات نیاز به تحول دارد. «تحول در جامعه انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است، هیچ‌کس نمی‌تواند در مقابل تحول بشری بایستد...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

انقلاب اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده‌ای تاریخی، از منظر هستی‌شناسی، تابع نظم حاکم بر کل هستی است، این انقلاب دگرگونی عمیق و بنیادین در ارزش‌های جامعه بود که ماهیتی مردمی، استمراری و تکاملی دارد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای این حرکت و تحول ماهیتی تدریجی و تکاملی دارد و رمز ماندگاری آن، تحول و تکامل در چارچوب ارزش‌هاست. انقلاب به این معنا نقش پیشرانی نیز دارد و حرکتی مستمر است که در زمان‌های مختلف، اقتضائات متفاوت دارد (ر. ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۶/۲۴؛ خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۲/۲۳). استمرار در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با آنچه در اندیشه‌های مارکسیستی مطرح هست، متفاوت است. تروتسکی یکی از این اندیشمندان، نظریه انقلاب مداوم و مستمر را مطرح کرد (تروتسکی، ۱۳۵۸: ۲۲۹) و معتقد بود انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که منجر به پیروزی بلشویک‌ها بر منشویک‌ها گردید سرانجام جهانی می‌شود و تمام دنیا را در برمی‌گیرد. از نظر وی انقلاب بایستی از عرصه ملی به عرصه جهانی کشانده شود و شکست انقلاب را در صورت محدود بودن به یک کشور حتمی الوقوع می‌دانست (زمزم، ۱۳۷۹: ۳۱).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای جابجایی حکومت در انقلاب اسلامی یک مسئله مقدماتی بود و مسئله اصلی و اساسی تحول واقعی برای رسیدن به اهدافی از قبیل: عدالت، آزادی، بارور شدن شخصیت انسانی و... بود. «مسئله ما این نبود که یک حکومت فاسد که بر سرکار بود، برود و

ما چند نفر غیر فاسد بر سرکار بیاییم. این مسئله مقدماتی بود. مسئله اساسی، انقلاب است یعنی تحول حقیقی در ارکان، بنیادها و زیرساخت‌های جامعه در جهت ایجاد عدالت، ایجاد آزادی، ارتقای فکری و عملی... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۷). وی انقلاب اسلامی را تحول عظیم در ارکان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه و یک حرکت روبه‌جلو و اقدام به سمت پیشرفت کشور و ملت می‌داند (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۲/۲۳). از نظر وی انقلاب اسلامی تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزش‌ها از قبیل: دین، ایمان، عدالت، دوری از اسراف و تجمل، سلامت دینی و اخلاقی زمامداران، استقلال سیاسی، اقتصادی فرهنگی و... است. و جریان انقلاب اسلامی زمانی مستمر است که جامعه بر اساس این ارزش‌ها حرکت کند و همه آنها را قبول داشته باشد. (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳). آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف خود سیر تکاملی دارد و این تکامل ماهیتی چالشی و تضاد انگیز از جنس تضاد حق و باطل دارد و لذا در مورد انقلاب اسلامی می‌گوید:

در هر شرایطی با انواع تضادها روبروست و محکوم به مبارزه است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۵).

تضاد و مبارزه در انقلاب اسلامی از جنس سوگیری طبقاتی مارکسیستی نیست که انقلاب توسط طبقه محکوم به وجود می‌آید. در انقلاب اسلامی:

هیچ کس، هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای نمی‌تواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۳/۱۴).

وی انقلاب اسلامی را از همه انقلاب‌ها متفاوت می‌داند و انقلابی همه‌جانبه است و محدود به جنبه‌های صرفاً معنوی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیست.

نظریه‌های انقلاب اسلامی

در پاسخ به این پرسش که چرا انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، نظریه‌های گوناگونی از منظر اقتصادی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی (فردی و اجتماعی)، سیاسی، فرهنگی و ترکیبی ارائه شده است. مثل نظریه توطئه (زیباکلام، ۱۳۷۰: ۲۹-۳۰).

نظریه مدرنیزاسیون (زیباکلام، ۱۳۷۴: ۹۴)، نظریه اقتصادی (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۶۱)، نظریه استبداد و دیکتاتوری (زیباکلام، ۱۳۷۰: ۱۱۴) نظریه مذهب (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۵۷۲)، نظریات ترکیبی (محمدی، ۱۳۷۳: ۸۷-۱۱۸؛ کدیور، ۱۳۷۳: ۱۷؛ بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۵؛ کدی، ۱۳۷۸: ۱۵؛ شفیعی فر، ۱۳۷۸: ۲-۳۱).

تحلیل محتوای سخنان و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص انقلاب و انقلاب اسلامی تأییدکننده دیدگاه دینی و فرهنگی است. در نظریه‌های دین (اسلام) عامل انقلاب، نظریه‌پرداز در پردازش نظریه خود از مؤلفه‌های دینی و فرهنگی از قبیل: اسلام، معنویت، ارزش‌های الهی و دینی، تشیع، مساجد، حسینیه‌ها، تاسوعا و عاشورا، روحانیت و... استفاده می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای یکی از دو خصوصیت استثنائی ممیزه انقلاب اسلامی را از انقلاب‌های دیگر، در این می‌داند که مبنای انقلاب اسلامی ارزش‌های دینی، اخلاقی و معنوی است. این خصلت جز علل محدثه و نیز بقیه انقلاب اسلامی است. وی همه انقلاب‌های جهان را از این جهت که مبنای غیردینی و مادی دارند مشابه می‌داند و می‌گوید:

... هیچ نقطه‌ای از دنیا را که در آن انقلاب شده باشد، سراغ نداریم که از این قاعده کلی خارج باشد، ولی در کشور ما این طور نشد (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰؛ مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۳۴).

خصوصیت دینی انقلاب اسلامی در عنوان «اسلام» انقلاب و نظام سیاسی جلوه نمود و مردم در انقلاب اسلامی به دنبال تحولاتی بودند که بر مبنای اسلام صورت می‌گیرد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای خصوصیت دینی انقلاب اسلامی اولاً باعث فراگیری و گسترده‌گی آن گردید و ثانیاً میزان خسارت کم بود. «انقلاب از خانه مذهب یعنی مسجد و مدرسه دینی آغاز شد ... نقش مذهب و ارزش‌های معنوی، آن قدر قوی شد و کسانی را به میدان انقلاب کشاند که معمولاً در هیچ انقلابی، این‌گونه آدم‌ها به میدان نمی‌آیند...» (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۳۶). در این انقلاب خشم مردم به خاطر دین، معنویت و خدا بود و بعد از انقلاب نیز حکومت در همین چارچوب شکل گرفت. «دین خصوصیت انقلاب بود و ماند... این خصوصیت در هیچ یک از انقلاب‌ها نبود و همین یکی از مهم‌ترین عوامل بود تا هر جای دنیا قلبی برای دین و اسلام می‌تپد، به جمهوری اسلامی و... علاقه‌مند باشد». آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این اصل که هیچ انقلابی از شرّ و ضربه ابرقدرت‌ها در امان نیست، معتقد است که خصوصیت اسلامی انقلاب اسلامی، باعث شد که این دشمنی‌ها شدید و مستمر شود. وی دشمنی مخالفان ملت ایران و نظام اسلامی را، در حقیقت دشمنی با اسلام می‌داند و می‌گوید:

اسلام، انقلاب را حفظ می‌کند و نمی‌گذارد دشمن مجدداً بر کشور تسلط پیدا کند....

اتکای این انقلاب بر اسلام و ایمان الهی باعث شده در مقابل همه فشارها و مخالفت‌ها دوام بیاورد. این انقلاب ریشه در اسلام و ارزش‌های اسلام دارد و شناخت آن پیوستگی کامل با شناخت اسلام ناب محمدی دارد:

در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت، اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت، اسلام تبعید و تعقل جایگزین اسلام التقاط و جهالت، اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت، اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت، اسلام نجات بخش محرومین، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی، اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی، اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت و... گردید (بنیاد تبیین اندیشه‌های امام خمینی در دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۶).

از نظر آیت الله خامنه‌ای، اصول اساسی انقلاب همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته است و حفظ انقلاب ارتباط مستقیمی با حراست از این اصول و ارزش‌های انقلاب دارد. وی ضمن اشاره به این که نقطه قوت و پایداری مردم ایران توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب بر آن تأکید شده است، علت مبقیه انقلاب اسلامی را در علت محدثه آن می‌داند و می‌گوید:

انقلاب اسلامی تا وقتی که در خط صحیح اسلام ناب یعنی خط امام، با دقت حرکت می‌کند و شما مردم دین و اسلام را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهید و روحیه دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی را زنده نگه می‌دارید... (مؤسسه قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۲۷).

هیچ قدرتی قادر نخواهد بود مانع رسیدن به اهداف گردد. انقلاب اسلامی چون صبغه دینی و معنوی داشت، آثار و نتایج معنوی دارد. از نظر آیت الله خامنه‌ای:

اگر انقلاب اسلامی پیروز نشده بود و ایران جمهوری اسلامی نمی‌شد، نظام‌های کمونیستی به این زودی متلاشی نمی‌شدند. تحول عظیمی که در دنیا به وجود آمد ناشی از اسلام و انقلاب اسلامی و... معنویت بود... (همان: ۴۰-۴۱).

از نظر وی گرچه عوامل متعدد و مختلفی در خصوص علل و عوامل انقلاب اسلامی مطرح است، اما آن چیزی که انسان می‌تواند به عنوان روح و رقیقه موجود در همه این عوامل معرفی... کند، توجه به خدا، انجام تکلیف الهی و قیام لله - برای خدا قیام کردن - است (همان: ۱۵۳).

چشم‌انداز انقلاب اسلامی

آیت الله خامنه‌ای نظام انقلابی جمهوری اسلامی را بر مبنای اصل تحول به عنوان سنت الهی و نیز اصل حرکت تکاملی، آینده‌نگر می‌داند و برای آن افق‌های بلندی در نظر می‌گیرد که دستیابی به آن‌ها حتمی و تخلف‌ناپذیر است. وی برای چنین نظامی اهدافی مثل حیات طيبة

اسلامی، ایجاد تمدن اسلامی، رسالت جهانی و... ترسیم می‌کند که رسیدن به آنها نیازمند حرکت انقلابی و برنامه‌محور است. از جمله ویژگی‌های چنین نظامی:

دگرگون خواهی، کمال‌طلبی، استفاده بهینه از فرصت‌ها و استعدادها، قانع نبودن به وضع موجود، تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، حرکت منظم و هدف‌دار، ابتکار و خلاقیت در تصمیم‌گیری‌ها، ایمان به وعده الهی، ریسک‌پذیری در ساختار شکنی، داشتن همت بلند، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، استقلال خواهی و... است (عظیمی شوشتری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۱۲۳).

حیات طیبه اسلامی

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای نظام اسلامی مردم را به سمت حیات طیبه اسلامی و الهی هدایت می‌کند و در تعریف حیات طیبه می‌گوید:

حیات طیبه، عبارت از این است که این زندگی در راه خدا و برای رسیدن به هدف‌های عالی باشد... هدف اعلی عبارت از وصول به حق، رسیدن به قرب باری تعالی و تخلق به اخلاق الهی است.

به نقل از (هلودی، ۱۳۹۷: ۵) وی بین این حیات و انقلاب اسلامی پیوند برقرار می‌کند و می‌گوید:

... این همان صیوروت به سمت خدا [است]. صیوروت یعنی حالی به حالی شدن، چیزی در باطن ذات خود تغییر ایجاد کند و روز به روز بهتر شود... جامعه مطلوب اسلامی آن است که این صیوروت در آن وجود داشته باشد. این صیوروت تمام‌نشده است، همین‌طور به‌طور دائم ادامه دارد، انقلاب این است (همان: ۱۰-۱۱).

وی با اشاره به آیه ۹۷ سوره نحل که در قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است، معتقد است نظام اسلامی به وعده قرآن کریم، مردم را به سمت حیات طیبه حرکت می‌دهد. حیات طیبه یعنی زندگی گوارا، چنین زندگی وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود (هلودی، ۱۳۹۷: ۳). حیات طیبه از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مصادیقی دارد از جمله عزت ملی، استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان، علم، پیشرفت، اخلاق، امنیت، رفاه و... «... حیات طیبه یک ملت، از جمله این است که این ملت، عزیز زندگی کند، سربلند زندگی کند، وابسته نباشد، مستقل زندگی کند...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۲۵). از نظر آیت‌الله خامنه‌ای حیات طیبه همان حیات اسلامی است که یکی از شاخصه‌های آن پیشرانی در علم و تمدن جهانی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۲۵). وی حیات طیبه را ثمره و هدف نهایی

انقلاب اسلامی می‌داند و بر این باور است که ما برای تحقق این هدف، فراتر از خود، برای بشریت مبارزه می‌کنیم و لذا می‌گویید:

... ما خواسته‌ایم که در میان ظلمات جاهلیت قرن بیستم، خورشید فروزان اسلام را به درخشش درآوریم، ما خواسته‌ایم در هنگامی که نسل‌های بشر، از مکتب‌های گوناگون - از سرمایه‌داری پلید غرب تا کمونیسم ملحد شرق - دلزده شدند، بتوانیم مکتب حیات بخش و راه زندگی سالم و مطلوب و شیرین را به بشر نشان بدهیم و آن، حیات طیبه اسلامی است... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب، یک امر مستمر، حقیقت ماندگار و دائمی است که این حالت تجدیدپذیری و تحول در نظام سیاسی برآمده از آن یعنی جمهوری اسلامی نیز وجود دارد که هدف و آرمان اصلی آن حیات طیبه اسلامی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۱). آیت‌الله خامنه‌ای، چشم‌انداز جمهوری اسلامی را حیات طیبه الهی و دستیابی به تمدن اسلامی ترسیم می‌کند و اموری مثل رفاه، عدالت، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری، معنویت، خلیات اسلامی، سبک زندگی اسلامی و... را از مصادیق این حیات دانسته و حرکت به سمت این حیات را تمام‌نشده و از جنس صیورورت به سمت خدا می‌داند (هلودی، ۱۳۹۷: ۱۰).

تمدن اسلامی

با توجه به حرکت تکاملی و صیورورت در انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای چشم‌انداز ملت ایران را دستیابی به تمدن اسلامی می‌داند که این هدف با توجه به میراث گذشته، موجودی استعداد بسیار ارزنده، همت و انگیزه و گرایش دینی و خدایی در این حرکت قابل‌دسترسی است از نظر وی:

... همه این‌ها به ما نوید می‌دهد که ما انشاء الله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را ... سردست بیاوریم و الگویی را برای هر حرکت امت اسلامی انشاء الله ارائه بدهیم (همان: ۱۹).

وی آرمان و هدف جمهوری اسلامی را ایجاد تمدن اسلامی می‌داند و در تعریف آن می‌گوید: ... یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد (همان: ۲۰-۲۱).

آیت‌الله خامنه‌ای، توجه به خدا و معنویت را عامل تحقق تمدن اسلامی دانسته و لازمه بازگشت به این تمدن را، ایستادگی و مقاومت می‌داند و با نگاه به نوک قله، و آرمان جمهوری

اسلامی را در یک جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه می‌کند. وی تمدن اسلامی را بر پایه‌های دین، عقلانیت، علم و اخلاق مبتنی می‌داند و راه‌های رسیدن به چنین آرمانی را، همت بلند، بهره‌گیری از امید و صبر، بصیرت، اخلاص و جهاد دانسته و برای گذار از گردنه‌های دشوار می‌گوید: «عبور از این گردنه‌ها جز با ایمان و اخلاص، جز با امید و جهاد، جز با بصیرت و صبر، میسر نخواهد گشت...» (هلودی، ۱۳۹۷: ۲۷). وی خطاب به شرکت‌کنندگان در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ضمن اشاره به نظام سازی متفاوت از الگوهای غربی و گرایش‌های چپ مارکسیستی، معتقد است:

هدف نهایی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است، این تمدن نوین را دارای دو بخش ابزاری و متنی (اساسی و اصلی) می‌داند. بخش ابزاری و وسیله‌ای آن از قبیل علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی و... است. بخش متنی و اصلی که در واقع بخش حقیقی تمدن نوین است، از نظر آیت‌الله خامنه‌ای آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد، که همان سبک زندگی است مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، الگوی مصرف و... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ هلودی، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۳).

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این که تقوای عملی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۲۸) و اخلاص و عمل صادقانه (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۱/۱۶) و ذکر خدا، عامل نیل به تمدن اسلامی است و وحدت ملت و مسئولین، عامل تحکیم پایه‌های تمدن اسلامی است می‌گوید:

... برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرن آینده می‌دهد. احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۶/۳۱).

رسالت جهانی

آیت‌الله خامنه‌ای نهضت مردم ایران را جهانی می‌داند که از پیوند انقلاب و دین اسلام نشأت گرفته است و لذا می‌گوید:

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران بر پایه شریعت اسلام ناب محمدی ﷺ استوار شده است، نمی‌تواند به مرز و ملیت و قومیت خاصی محدود باشد (به نقل از حاجی انزهایی، ۱۳۹۶: ۸۳).

از این منظر نگاه جمهوری اسلامی، نگاه امت ساز است و فرقی بین فلسطین سنی و حزب الله شیعه نیست. با توجه به همین رسالت جهانی جمهوری اسلامی، وی ضمن توجه به لزوم ابتدای نظامات جهانی بر حاکمیت تشریعی الهی، تحقق این نوع حاکمیت را وعده خدا می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۲۵) و معتقد است «انقلاب اسلامی وظیفه خود می‌داند تا نه تنها در نظامات غیر الهی و ظالمانه موجود در عالم هضم نشود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱۴)، بلکه آنها را بر هم بزند و در مسیری گام بردارد که منتهی به این حاکمیت شود. از نظر وی این حاکمیت با ظهور امام خمینی به عنوان رهبر نهضت مردم ایران، انقلاب اسلامی و نظام سیاسی جمهوری اسلامی جنبه عملیاتی و اجرایی پیدا کرد و لذا در پیامی به مناسب نخستین سالگرد رحلت امام خمینی، نوشت:

با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است، این عصر را باید عصر امام خمینی نامید... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۱۰).

آیت الله خامنه‌ای با اشاره به این که قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است، معتقد است:

آنچه در ایران اتفاق افتاد، مسئله یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است، ... این انقلاب، محدود به این مرزها نیست. این یک پیام جهانی دارد ... هرکسی، هر مسلمانی، هر جای دنیا بود، وقتی این انقلاب پیروز شد، وقتی امام در صحنه ظاهر شدند، وقتی پرچم اسلام و لا اله الا الله بالا رفت، احساس کرد که پیروز شده است، ... این پیام، پیام بین‌المللی و جهانی است... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۸/۱۱؛ هلودی، ۱۳۹۷: ۲۶-۲۵).

آیت الله خامنه‌ای با اشاره به حمایت ملت‌های مسلمان در آسیا و اروپا و آفریقا از انقلاب اسلامی معتقد است:

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اعتزاز و افتخار و مباهات به اسلام، در مسلمانان زنده شد ... و مسلمان احساس کرد که اسلام مایه سربلندی اوست این هم از برکات انقلاب اسلامی بود ... یکی از ابعاد این انقلاب و به قول معروف «عمق استراتژیک انقلاب ما» همین است و دشمنان، همین را می‌خواهند از ما بگیرند (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴؛ هلودی، ۱۳۹۷: ۳۲-۳۳).

انقلاب اسلامی و آینده

آیت الله خامنه‌ای ضمن اعتقاد به ارتباط و پیوستگی بین داشته‌ها و آینده، و با اشاره به

داشته‌هایی مثل جوانان، استعدادها، انرژی، امکانات طبیعی و اقلیمی، زمینه‌های معرفتی و مکتبی، می‌گوید:

... بلاشک آینده‌ای که در انتظار آنهاست، یک آینده بسیار درخشان است که می‌تواند برای امت اسلام و دیگران به عنوان الگو مطرح باشد (به نقل از هلودی، ۱۳۹۷: ۸۵).

وی با اشاره به پایین بودن شاخص‌های پیشرفت ملت ایران در رژیم‌های گذشته، و پیشرفت این شاخص‌ها در زمینه‌های علمی، اقتصادی، معنوی، مسائل اجتماعی و بین‌المللی به برکت انقلاب اسلامی، حرکت انقلاب و ملت ایران را منبع الهام در سطح دنیای اسلام دانسته و با تأکید بر بهره‌مندی از استعدادهای سرشار و منابع غنی و متنوع، معتقد است راه برون‌رفت از مشکلات و فائق آمدن بر آنها، پیروی از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است... (هلودی، ۱۳۹۷: ۹۲-۱۱۰).

وی اسلام را منبع الهام بخش آینده انقلاب اسلامی معرفی می‌کند و می‌گوید:
... به برکت اسلام، آینده این انقلاب، آینده این نظام و آینده این کشور، آینده‌ای بسیار روشن و درخشان است... (همان: ۲۲۵).

وی ضمن تجمیع بین اراده انسان و اراده الهی در حل مشکلات، معتقد است نسبت به آینده انقلاب و کشور و نظام خوش‌بینم و این خوش‌بینی را با قوت تمام حفظ کرده‌ام، البته این افق آینده لا بشرط نیست، بلکه نیازمند همت و مردانگی، تلاش و کوشش ملت انقلابی است.

تحولات جهانی و زمینه‌سازی ظهور

اعتقاد به مهدویت و ظهور امیدآفرین است و نیروی امید را در انسان زنده می‌کند. افزون بر این اطمینان‌بخشی، قوت قلب و قدرتمندی از برکات این اعتقاد است. آیت‌الله خامنه‌ای انتظار فرج را مفهومی وسیع و گسترده می‌داند که دارای مصادیقی از جمله انتظار فرج نهایی است:

... انتظار فرج مصداق‌های دیگری هم دارد، وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است... (هلودی، ۱۳۹۷: ۲۴۶).

وی مسئله انتظار را که نیاز بشر امروز و به طریق اولی نیاز امت اسلامی است، جز لاینفک مسئله مهدویت تلقی کرده و آن را معنا می‌کند:

... انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن، ... انتظار

یعنی این آینده حتمی و قطعی است... (همان: ۲۴۹-۲۵۰).

وی عقیده به مهدویت را به منزله خون در کالبد و در حکم روح در جسم می‌داند و معتقد است:

... اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود ارواحنا فدا، امید را در دل‌ها زنده می‌کند... چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد (همان: ۲۵۱).

انتظار به این معنا لوازمی دارد که یکی از آن‌ها مطالبه و پیشرفت است، لذا انسان به وضع موجود قانع نیست و دنبال پیشرفت است. جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فدا باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد از نظر آیت‌الله خامنه‌ای آماده‌سازی لازمه انتظار است و لذا می‌گوید:

این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد. این انتظار تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست، ... باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

سؤالی که مطرح است این که چه ارتباطی بین تحولات جهانی و مسئله انتظار است. انقلاب اسلامی، اراده تکوینی الهی بود که در زمانه ما رخ داد و امام خمینی رهبر این انقلاب از آن به «هدیه الهی» تعبیر کرد لذا این انقلاب از سایر انقلاب‌ها در ماهیت، اهداف و سایر مؤلفه‌ها متفاوت است. این انقلاب افزون بر تأثیرات داخلی یعنی تحول در مناسبات فرهنگی، سیاسی و... بر مناسبات و تحولات بین‌المللی نیز تأثیر گذاشته است. این تحول از ابتدای شکل‌گیری رویکرد جهانی داشته و آینده آن را نیز نمی‌توان فارغ از رابطه آن با نظام بین‌المللی تحلیل کرد. به زبان دیگر بدون توجه به ساختار نظام بین‌المللی و تحولات سریع آن، مطالعه انقلاب اسلامی و تحلیل آینده آن دشوار است. منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی با انقلاب اسلامی تأثیر و تأثر متقابل دارند. نه می‌توان نقش تحولات نظام بین‌المللی را بر ادامه جمهوری اسلامی که مرحله‌ای از انقلاب اسلامی است نادیده گرفت از طرف دیگر کنش‌ها و رفتارهای جمهوری اسلامی با نظام جهانی و تحولات آن ارتباط دارد، انقلاب اسلامی چون پدیده‌ای اجتماعی و تاریخی است، ظرفیت و استعداد دگرگونی عمیق در زندگی انسان معاصر را دارد. در این انقلاب علل محدثه آن، علل مبقیه آن نیز هستند و اگر در همین چارچوب به حرکت تکاملی و مستمر خود ادامه دهد، ان شاء الله به دولت مهدوی ختم می‌گردد، باطن و درون مایه

انقلاب اسلامی به عنوان حقیقی در کلیت تاریخ، تحقق همین دولت است. از نظر شهید مطهری گرچه نمی‌توان آینده مسائل اجتماعی را به صورت قطعی پیش‌بینی کرد، ولی «... با تکیه بر دیدگاه الهی قرآن، آینده کلی بشریت، آینده‌ای توحیدی، هم به مفهوم فکری و اعتقادی و هم به مفهوم اجتماعی است (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۱-۲۲؛ به نقل از زمانی، آینده انقلاب اسلامی در اندیشه شهید مطهری، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸: ۴۴).

شهید مطهری ضمن اشاره به سه رکن اصلی بقاء و تداوم انقلاب اسلامی ایران یعنی عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی و معنویت اسلامی (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۴۷)، بر این باور است:

... انقلاب ما یک انقلاب ماهیتاً اسلامی است... یعنی یک انقلاب همه‌جانبه اسلامی است یعنی روح این انقلاب را چه از جنبه‌های مادی چه از جنبه آزادی خواهانه و چه از جنبه‌های دیگر، اسلامی تشکیل می‌دهد، در این صورت تداومش هم در آینده باید بر همین مبنا و اساس باشد... (مطهری، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۴).

ایران اسلامی افزون برداشتن قابلیت‌ها و استعدادهایی مثل منابع طبیعی، موقعیت ژئوتکنیکی برای تأثیرگذاری بر روند تحولات جهانی، آنچه بیش از همه می‌تواند به عنوان پیشران ما را در راستای جامعه مهدوی و زمینه‌سازی برای ظهور، همگام با تحولات سریع جهانی، هدایت و کمک کند، فرهنگ متعالی اسلامی، دین و ارزش‌های الهی، انسانی و مهدوی است که جامعه ایرانی از آن برخوردار است. دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی استعداد رهبری و هدایت جامعه بشری را به سمت دولت مهدوی دارد، به‌ویژه با وقوع انقلاب اسلامی که نقش دین فراتر از امور فردی در هدایت اجتماعی احیاء گردید دین به این معنا قدرت تمدن‌سازی نوین و حیات طیبۀ اسلامی مهدوی را دارد که در آن جهان طعم عدالت را خواهد چشید. با وقوع انقلاب اسلامی و نقش اجتماعی که دین پیدا کرد به رهبری علمای دینی و از طریق تأسیس نظام سیاسی دینی به عنوان مقدمه نظام مهدوی، هر روز امید به رسیدن به چنین نظامی بیشتر و دسترسی به وعده الهی مبنی بر حاکمیت مستضعفین بر زمین آسان‌تر می‌گردد. عزت و سربلندی که مسلمانان به برکت انقلاب اسلامی پیدا کردند این نوید را می‌دهد که آینده جهان اسلام، آینده‌ای با عزت و اقتدار، همراه با حکمت و عقلانیت است و چشم‌انداز این انقلاب همان‌طور که اشاره شد حیات طیبۀ اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی است.

نتیجه‌گیری

آیت‌الله خامنه‌ای در چارچوب مکتب فکری و معرفتی اسلام، پدیده انقلاب و انقلاب اسلامی را تحلیل و بررسی می‌کند. این مکتب از منظر مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و

انسان‌شناسی، نگاهی متفاوت از مکاتب فکری و فلسفی کارکردگرایی و مارکسیستی به پدیده انقلاب دارد از نظر آیت الله خامنه‌ای، بین وقوع تحولات اجتماعی - از جمله انقلاب - و اختیار انسان، ارتباط مستقیم است و لذا در انقلاب، عنصر زیربنایی، تغییر و تحول درونی است. وی تحول را جزء سنت‌های الهی تلقی می‌کند که هر نظام اجتماعی در عین ثبات، به آن نیاز دارد. انقلاب از نظر وی حرکتی تدریجی، اصلاح‌گرایانه، تکاملی و از جنس صیروت است. آیت الله خامنه‌ای انقلاب اسلامی ایران را پدیده‌ای تاریخی می‌داند که تابع نظم حاکم بر کل هستی است. این انقلاب ماهیتی مردمی، استمراری، تکاملی و پیشران دارد و منشأ تحولاتی در منطقه و جهان شده و خواهد شد. از نظر وی این انقلاب و نظام برآمده از آن، همواره در حال حرکت و صیروت است و درصدد ارائه چشم‌انداز و افق‌های جدید است که دستیابی به آنها حتمی است. وی آینده این انقلاب را در قالب اهدافی مثل حیات طيبة اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی، رسالت جهانی و زمینه‌سازی برای ظهور حجت خدا می‌داند.

منابع

قرآن کریم

- بازگان، مهدی (۱۳۶۳)، *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران: ناشر نویسنده.
- باهنر، محمدجواد (۱۳۷۸)، *مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چهارم.
- بنیاد تبیین اندیشه‌های امام خمینی در دانشگاه‌ها (۱۳۹۲)، *خط امام*، قم: دفتر نشر معارف.
- تروتسکی، لئو (۱۳۶۰)، *تاریخ انقلاب روسیه*، ترجمه: سعید باستانی، تهران: نشر فانوسا.
- حاجی انزهایی، محمدرضا (۱۳۹۶)، *صورت و سیرت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، دوم.
- زمانی، سیدرضا (۱۳۸۸)، *آینده انقلاب اسلامی در اندیشه شهید مطهری، مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ششم، شماره ۱۸.
- زمزم، علیرضا (۱۳۷۹)، *مطالعه تطبیقی تئوری انقلاب تروتسکی با انقلاب اسلامی (پایان نامه)*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران: روزنه.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۴)، *مجموعه مقالات سمینار انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، قم: نشر معارف.
- سیاه‌پوش، امیر؛ ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۶)، *چیستی انقلاب از منظر آیت الله خامنه‌ای*،

- مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۹.
- شفیعی فر، محمد (۱۳۷۸)، *درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی*، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
 - صدر، سید محمد باقر (بی تا)، *سنت های تاریخ در قرآن*، ترجمه: سید جمال موسوی، تهران: روزبه.
 - عظیمی شوشتری، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۷)، *نگرشی نوبه انقلاب اسلامی*، قم: زمزم هدایت.
 - عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، *انقلاب اسلامی و ریشه های آن*، تهران: نشر کتاب سیاسی، دوم.
 - کدی، نیکی آر (۱۳۷۸)، *ریشه های انقلاب ایران*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - کدیور، جمیل (۱۳۷۳)، *رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا*، تهران: اطلاعات.
 - کوهن، الوین استانفورد (۱۳۷۲)، *تنویر های انقلاب*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: قومس.
 - محمدی، منوچهر (۱۳۷۳)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر، پنجم.
 - مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران: صدرا، چهارم.
 - مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران: صدرا، بیست و هشتم.
 - ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷)، *بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۱)، *ویژگی های انقلاب اسلامی در آئینه مقام معظم رهبری*، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
 - هلودی، موسی (۱۳۹۷)، *روشنای آینده، آینده پژوهی انقلاب اسلامی در بیان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، دوم.
 - تارنمای رسمی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی: www.khamenei.ir.